شمارهٔ اول | یکشنبه ۱۹ شهر شعبان المعظم ۱۳۳۵ | صفحهٔ اول

در ایام هفته بعد از امکان طبع و نشر میگردد
تک نمره هفت شاهی

مدیر غلامحسین کسمائی
محل اداره کسما

عنوان تلگراف و تلفون : از توجه اولیاء امور طالبیم
عنوان مراسلات پستی : فومن . کسما . مدیر
وجه اشتراک بعد از سه نمره دریافت میشود

قیمت اشتراک

یکساله	۵۰ قران
ششماهه	۳۰ قران

جنگل

۱۳۳۵

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

افادهٔ مرام

کارکنان این روزنامه برای آگاهی هموطنان بنام آزادی مطبوعات درصدد تأسیس این جریده در این ناحیه برآمدند

سبب تأسیس این اوراق از لزوم گذشته بلکه واجب و بلا [illegible] فوت وقت غفلت را کنار گذاشته با فراهم نمودن لوازمات عجالتاً موفق گشته توفیق این خدمت و بپایان رسانیدن این مقصود را از حضرت احدیت خواستاریم

مقصود ما عبارت پردازی و اطلاعات خارجه نیست [illegible] شکسته و افکاری خسته با زبانی الکن میخواهیم اظهارات خود را از نظر قارئین محترم بگذرانیم

شاید بدین وسیله افکار عمومی را متوجه ساخته با ما همراه شوند از صاحبان افکار عالیه و ارباب قلم استمداد میطلبیم

اعتذار

اول باید دانست که هیئت مؤسسه این نامه ملی ایرانی و [illegible] نژاد و طرفدار حقوق و مطیع قانون میباشند جهت

طبع و نشر و دوام انتشار از [illegible] جمعیت معارف [illegible] وقت رفته بوده است [illegible] لذا بموجب این در اولین شماره از آن مقام طبع و انتشار این جریده را خواهیم

اولین قدم برای حسن جریان انتخابات

انتخابات چهارمین دوره تقنینیه اذهان عموم را متوجه و جلب و متوجه ساخته است و مخصوصاً [illegible] که مسئول حیات و ممات قطعی [illegible] که کرسیهای پارلمنت را اشغال خواهند نمود یعنی در این دوره تقنینیه یا یکی عرق مرگ به پیشانی این آب و خاک خواهد نشست و یا نسیم حیات بمشام وطن رسیده [illegible] خواهد [illegible]

پس ملت ایران در این [illegible] که اصل سیاست این [illegible] اکثر [illegible] میگردد [illegible] دنیا [illegible] و از گذشته [illegible] مشهود میگردد [illegible] امروز [illegible] حال [illegible] بدین معنی که فقط امید داری که [illegible]

دانسته‌ایم حسن جریان انتخابات است که بدبختانه آنهم با یک دسیسه‌کاری فوق‌العاده بمراتب از ادوار سابقه بدتر و قباحت‌آورتر است در حال جریان میباشد

واضح است که این قسم جریان انتخاب تا چه درجه عواقب وخیم خواهد داشت و بچه اندازه آتیه این آب و خاک را تهدید مینماید

آری اولین قدمی که برای حسن جریان انتخابات لازم بوده و میباشد و چندان وقت هم فوت نگردیده همانا تغییر حکام دوره‌های سابقه و سلب اقتدارات غیرمشروعهٔ ایشان میباشد از قبیل ظل‌السلطان‌ها و فرمان‌فرماها و کامران میرزاها و معتمدالدوله‌ها و غیره

چه همین حکام دوره‌ها امروزه که مصادر امور ایالات و ولایات‌اند از همان زمره اشخاص‌اند که تا دیروز با یک دقایق غیرقابل تقریر دست بدست ستمکاران ستم‌پیشه استبداد منش خودپرستان جور یعنی سلطنت مستبده منفورهٔ کهنه روسی داده دمار از روزگار نوع خود برآورده و هیچگونه لطمه بناموس وطن و هم‌وطنان خود مضایقه نکرده‌اند

انصاف باید داد که با تمام دلایل این گونه اشخاص با اقتدارات و اختیاراتیکه مواد (۱۰) و (۱۱) قانون انتخابات نمایندگان مجلس ملی بدیشان میدهد

آیا ثمره و نتیجهٔ مجبور سوق دادن ملت بوادی عدم و تهدید یا اضمحلال چیز دیگری را در بر خواهد داشت و آیا جریان این انتخاب اطمینان‌بخش خواهد بود

و وکلائیکه بدسیسهٔ اعیان و پارتی‌بازی فرق مخصوص (که دارای ذوق سیرون پارلمانی نیستند) برگزیده شوند قابل قانون‌گذاری و زمامداری مملکتی بوده و شایسته سپردن ناموس ملی بچنگ اقتدارشان خواهد بود ؟؟

که امروزه همان گرگان آدمخوار خود را بلباس میش سر [illegible]

و ماشینان وطن مترقی مشابه

و... چه ساده‌لوحی . و چه سهل‌انگاری ما نیز باستثنای بعضی افکار عموم اهالی ایران آنان را مخاطب شان مینمائیم که ایرانیان امروزی بدین اغفالات و عوض کردن لباس و تجدید پرده‌ها فریب نخورده و هیچوقت خود را آلت دست شما قرار نخواهند داد و میگوئیم .

ای بیخبران خائن بفهمید که ملت ایران لذت انتقام را چشیده و از این طعمهٔ لذیذ دست بردار نخواهند بود . و روش متخذهٔ جدیدهٔ خود را که **مجازات فوری خائنان است** کنار نخواهند گرفت

اگر چنانچه بزرگترین حسن و وسایل نیز ثبت شده و تصمیم هیئت محترم دولت متبوع ما را که شروع باصلاحات و تسریع عناصر فاسده و دفع مواد موذیه و خلع حکام جابره در انتخاب ستمکاران مدسکار از جهت میهن‌پرستی ملت است محترم نشمرده و در صدد اخلال برآیند بدون فوت وقت سزایشان را در کنار آن خواهند داشت :

ما نیز این اقدام مهم هیئت معظم دولتی را که باصلاحات شروع کند قلباً از دولت‌خواهی و وطن‌پرستی دلیل تقدیس کرده : و موفقیتش را در این فداکاری عظیم که اولین قدم برای حسن جریان انتخابات است درخواست مینمائیم

ج

آقای مدیر محترم روزنامه جنگل سواد تلگراف ذیل را که بطهران مخابره شده برای اطلاع قارئین کرام در اولین شمارهٔ جریدهٔ خود درج فرمائید

سواد تلگراف

توسط حضرت اشرف آقای مستوفی الممالک
خاکپای اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه :
افتتاح دارالشوری تاکنون برای مرحمی مجدداً

متعسر بود اکنون باقبال بی‌زوال شاهنشاهی موانع مفقود و شرایط موجود و فرمان جهان مطاع که حاکی از حسن نیات مقدسه و مرام ملوکانه بود صادر

مضرات تأخیر این امر در پیشگاه همایونی مشهود خائنین بدسائس مشغول استدعا داریم امر اقدس اعلی بسرعت انتخاب و تشکیل دارالشوری که یکی از مقاصد فدائیان است مقرر تا پس از افتتاح مجلس سایر مقاصد و مرام فدائیان که فقط متضمن حفاظت وطن و ملت و صیانت تاج و تخت اعلیحضرت شاهنشاهی بوده است بپایه سریر مقدس معروض گردد

محل هیئت اتحاد اسلام گیلان

مکتوب محلی

تقدیم تشکر: درخواست فعلیت قول بفعل لازم است

روزنامه مساوات در شماره ۴ تحت عنوان مکتوب سرباز مقاله مندرج بود بی اختیار محرکم گردید که نیات صادقانه خود و هم قطارانم را توسط این جریده در ضمن ادای تشکر و عرض جواب مشهود دارم

بدیهی است که هیچ قومی در عالم مانند ملت ستمکش ایران بآزادی ملت روسیه که در زیر زنجیر اسارت حکومت مستبده بدترین روزگاری دچار بودند علاقمند نبوده و نیست

توضیح واضح میدانیم که بگوئیم حقیقت دموکراسی تمام اقوام عالم را متحد و وحدت طلبات هر ملتی را بدون ملاحظه اختلاف نژاد و مذهب متضمن جلوه و این نظریه که آزادی هر ملتی بدواً سبب مسرت ملل دیگری که طریق آزادی را طی مینمایند خواهد شد مملکت و ملتی است که برای تعلقات اقتصادی و همجواری و غیره علاقه حیاتی با ممالک دیگر داشته ناگزیرند که رشته مودت خود را محکم و از مساعدت یکدیگر بهره‌مند گردند

ملت ایران آن ملتی است که بیش از اقوام سایره با ملت روسیه مرتبط و منتظر حسن روابط همجواری است

ایران محنت دیده یازده سال است که بقربانی هزارها فرزند رشید خود حریت را تحصیل و در این مدت برای مظالم وحشت خیز حکومت تزاری فرزند موفق باصلاحات نگردیده کلمه آزادی از دایره لفظ خارج نشده بلکه تحت تأثیر استبداد سابقه دچار لطمات طاقت فرسا گردیده اطفال بی‌سرگشته پدران و مادران پژمرده مردان هستی بباد داده که با امید استشمام رایحه عدالت تحمل این همه خسارت نموده با دیده حسرت نگران و منتظر که روح مساوات روزی آنها را بآرزوهای دیرینه ایشان سوق دهد

لطایف غیبیه نگذاشت که خاموش کننده عدالت بیشتر تحکم کند امیدواریها کامل و دست طبیعت بر سبیل انتقام از آستین مردانه جوانمردان روسیه بیرون بایک انقلاب پر از شرف شاه را از تخت سرنگون تختش را واژگون ستمدیدگان روسیه استنشاق نسیم فرح‌بخش حریت کردند

موفقیات ملت روس بقدری باعث امید ایرانیان افزود که هیچیک از عناصر ایرانی (سوای یک جمعی رذل منحرف) نتوانستند از اظهار شعف خودداری کنند منتظر بودند که سریعاً از طرف حکومت دموکراسی

روس جبران مافات شده تلگرافهای مادی و معنوی تخلیهٔ ایران و الغاء امتیازات مشئومه مرئی جراحات قلوب ما بگذارند

مع التأسف تا امروز اظهارات مساعدت آمیز دولت و ملت روسیه مثل مشروطیت یازده سالهٔ ما پا از دایرهٔ لفظ بیرون ننهاده در حالتیکه

قول را فعل لازم است

این نکته مسلم است که ملت روسیه طبعاً نجیب و دایم دارای محبت ذاتی و شرف آدمیت بوده هیچگاه از ابراز حسیات دوستانه دربارهٔ همسایگان خود خاصه ایران خودداری ننموده اکنون نیز ایرانیان همهٔ اظهارات برادرانهٔ آنانرا بحسن قبول تلقی میکنند ولی قشون و ملت را جز اطاعت دیسیپلین حکومت مشروطهٔ خود چه تکلیفی است

حوادث اخیر پطروگراد گواه صادق ما نیست؟

اظهار تألمات و تأسفات بر شهدای ما البته شایان تقدیر است ولی امروز نه بمرده جنبنده باید گفت

بچشم زندگانی ایرانی حق حیات استقلالی داده میشود؟

حکومت دموکراسی روس با صمیمیت ملت خود نسبت بما همراه است؟

در اینجا جواب منفی است! چرا؟

تا امروز فعلیتی ندیدیم در حالتیکه

قول را فعل لازم است

از آغاز جنگ بین المللی ایران رسماً بیطرفی خود را اعلام و مطمئن بود که دول همسایه نقض بیطرفی او را نخواهند نمود همسایگان جنوب و شمال با هم جلوگیری ازنه چه و بیگانه الان بنای مداخلهٔ علنی و حبس قنسولات خودشان مامور داخلی ما را خلع کرده بیش از سایر دول موجب اختلال مملکت بودند بجای آنکه در نتیجه موقعی دست از تجاوز کشیده سفرا و قنسولات خود را که هر یک در حوزهٔ ماموریت خود سلطانی مستقل و مقید بهیچ قیدی نبودند امر بملایمت نموده دولت ایرانرا بمساعدت خود بگذارند بیطرفی خود را محفوظ و فواید بیطرفی آنرا خود جلب کنند هیچیک از اینها عطف نظری نکرده سهل است بر شدت غلظت و تعدی مامورین ایشان افزوده و از طرفی بنای سوق قشون گذاشته سبب شدند که مدعیان آنان بعنوان معارضه مثل قشون وارد کرده ایرانیانرا علاوهٔ هزاران بدبختی دچار قتل و غارت بهت آوری نمایند که ترسیم آنها از دایرهٔ قدرت قلم همهٔ ما خارج باشد چقدر زود حقیقت از یادمان میرود!!!

قشون عثمانی در بدو جنگ مگر قادر بتجاوز بحدود همخانهٔ ما بودند؟

جنگهای حدود کرمانشاه زمان رئیس الوزرائی عین الدوله از خاطرها محو شد؟

چه چیز سبب شد اخیراً از ورود عثمانی بخاک ایران ممانعتی بعمل نیامد؟

همان وجود قشون روس در حدود و قشون جدید روس و مداخلهٔ دولتین انگلیس و روس صریحاً!

آیا میتوانید انکار کنید؟

فروشت ایران از کدام نقطه سوق الجیشی برای دولت روس مثمر ثمر است؟ که با آنهمه امتیازات نفوذ ده ساله هنوز از این پلتیک بی صرفه دست نکشیده

اگر مقصود محاربه با عثمانی است سرحدات قفقاز دارند که از هر جهت برای سوق قشون مناسبتر و بهتر است دیگر دست از گریبان مشتی بیچارگان برنداشتن و مملکت آنها را میدان محاربه قرار دادن جز تولید سوء تفاهم نتیجه دیگری خواهد داد؟

مگر دولت وقت ایران تقاضا کردند که شما ایران را تخلیه کنید بیرون کردن عثمانیها را ما عهده داریم آیا امتحان کردند؟

آیا عثمانیها جز بعنوان بیرون کردن قشون روس از ایران متوسل بعذر دیگری شدند؟

آیا امروز که قشون عثمانی از ایران خارج و بغداد در تصرف متحد آنها و حکومت روسیه دموکراسی مهاجرین ایرانی اغلب بایران عودت کرده دیگر جای عذری باقی است؟

باز هم مواعید دیپلوماسی که اساسش نقش بر آب است؟!

باز هم باید غفلت در حجاب الفاظ برادری [illegible] شاهد بازاری باشد؟

آیا میتوان از دمکراسی روس صرف نظر کرده و بقول تنها مطمئن شد در حالتیکه

قول را فعل لازم است

انگلیس برای نداشتن قشون کافی در اواسط جنگ بین المللی دولت مستبده تزاری را آلت و باسم جلوگیری از هجوم احتمالی عثمانیان محرک شد خاک ایران را میدان محاربه قرار دهد خود هم بوشهر را اشغال و صدها تجار خود را با هزار تومان سرمایه روس منظم و شریک تجارتی شدند که فوائد خود را با تشکیلات جدیده ترقی خود تأمین کنند

امروز که انگلیس دارای قشون بری کافی و عثمانیها از ایران خارج و دولت وقت آزاد روس عدم صرفه فروشت ایران را حس کرده و دانستند که تخلیه ایران از اشغالش بیشتر مقرون بصرفه است تا امروز آلت بودند از این بعد نباید آلت شد دیگر چه تأملی؟!

عجبا میگویند در صورت خروج عثمانی و انگلیس از ایران و خاتمه جنگ قشون ما عودت میکند!

عثمانیها که رفتند. گویا همان عودت همیشه عثمانیها را اراده میکنند!؟

انگلیس که متحد آنها است.

خاتمه و یا دوام جنگ (جز اینکه برای تمنیت بشری) ما را از قتل ابناء بشر متألم میکند دیگر چه ربطی بما دارد؟ اگر مختصری قشون عثمانی در حدود کردستان و انگلیسها در فارس باشند برای توقف قشون دولت آزاد روس است

استدعا داریم اجمال خودمان مگذارید اگر عثمانیها و سایرین قاعده تجاوز نمایند ما خواهان جلوگیری شدیم آنوقت میتوانند بخلاف عقاید ما [illegible] دوره تسلسل سرگردان کنید

دور و تسلسل

دشمن روس و انگلیس میگویند ما نمردیم و دیدیم وقتیکه عثمانی

بوده عثمانی میگوید ما در ایران نیامدیم مگر برای بیرون کردن آنان روس و انگلیس هر وقت رفتند ما هم میرویم پس این فاصله تا بحشر لنگ است و ما در یک پشتند دوره تنفس مقید و باید مثل همه وقت گرفتار پنجه عذاب باشیم

آقایان من فاتحیت عثمانی و آلمان مغلوبیت روس و انگلیس یا بالعکس چه نفعی با خواهد داد.

ما میگوئیم همه بگذارند که تا در خانه ویران خود نفسی براحت کشیده و در عالم برادری بقدری که خواهر مجاورش دهند زیاده بر این خیال اصلاحات ما را عقیم نگذارند دنبال اقوال دوستانه نرفته افعال دلشان قرار دهند زیرا لزوماً

قول را فعل لازم است

چگونه با کمیت فلکزدگان اواره از خانمان میتوانیم باظهار دوستی برادران روسی متقاعد شویم در حالیکه آنها سرقادر بجلوگیری از پلتیک دولت مشروطه خود نیستند؟ ساده تر توضیح کنم آنها هم در پنجه زمامداران سروقت خود مثل هروقت ما مقیدند!

آیا دولت دموکراسی روس با مؤتلفین خود که آن مؤتلفین فقط و فقط برای توسعه مستعمرات و اضمحلال اقوام صغیره جنگ میکنند همعنانی میکند.

مگر ملیونها از برادران نوعی و مسلکی ما را هنوز در قربانگاه فروشهای مختلفه قربانی هوس دیگران نمیکنند؟

در حقیقتاً روح عالم بشریت برای قتل و انهدام این اعضاء نفیسه بشری عزادار است!

از اسرار معمائی لاینحل سیاسی که از فهم مبتدی جنگلی خارج دایره است گذشته قدری ساده صحبت کنیم

بیرون کردن مشتی مستشرقان ایرانی را در گیلان نقاط دیگر ایران از قتل و غارتهای خود و اقلاً از اینکه قدری مصلحت نشان دادن هم جزو اصلاحات حقه است قول ملم را در صورت بقای یکمشت خائن دیگر چه باید امید؟

اگر فسخ معاهدات مضره قدیمه یا الغاء امتیازاتی را که که محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی عاری از شرافت و امنیت بر خلاف قانون مملکتی داده و امروزه در کمال سرعت مجری میشود لغو کردن یا مسکوت عنه گذشتن قابل اهمیت است؟

چگونه میگویند که امتیازات سپهسالار بی خرجی نشده در صورتیکه راه آهن سربازار و غیره با معدنت کامل گواه صدق بنده و اشتباه شماست پس چه باید کرد؟

همان عنوانی است که بدواً عرض شد مساعدت عملی میخواهیم زیرا:

قول را فعل لازم است

جنبه معاونت و اقامت جنگل و عدم اطلاع از امور سیاسی وادی بالاخره بعلی و بعنوادی مجبورم ساخت که ساده و دل کنم شاید با زبان جنگلی خود توانستم مرز دل خود را ثابت و برادران حریت طلب روسیه را آگاه کنم که آنها نیز چون ما دچار بدبختی هستند بقول باباطاهر عریان بیا سوته دلان گرد هم آئیم انها آلت دیگران ما گرفتار بی مهری آنان هر دو ناهم همه فهمیده ایم که در عظیم بدبختانه هدفکر علاج نیستیم

چشم باز و گوش باز و این عمی
حیرتم از چشم بندی خدا

معاودت به رشت یا اقامت جنگل در عوض هم زیرا ما ایرانی و ایران ویران خانه ما و این مدت با هجوم نکردیم بلکه همه وقت مورد هجوم سایرین شدیم خصمانه ورود میکنند مدافعه میکنیم دوستانه می آیند پذیرائی مینمائیم گرچه مصادف با یکعالم خجلتیم برای فقدان وسایل از مهمانان محترم خود پذیرائی کامل نمودیم

در خاتمه از کمیته محترم کارگزون و تمام مهاجرین و عموم صاحبان آزادی صمیمانه امتنان و تشکر نموده و میدانیم که اظهاراتشان از روی صداقت و صمیمیت بوده و خودشان بوده و ما هم در گوشه جنگل با انتظار ایفاء مواعید برادرانه آنها مقیم و این فراز را با یک دنیا امید متذکر که

قول را فعل لازم است

(یک نفر جنگلی)

قابل توجه کارکنان مساوات

در حین طبع روزنامه این خبر وحشت اثر جگرخراش بما رسیده

اعدام

روز سه شنبه از کرمانشاه خبر رسیده که روسها ۱۸ نفر از اهالی را بدار زده معدوم مینمایند تاکنون معلوم نشده که آنها از چه طبقه میباشند

ستاره ایران

شدت حرکات قشون روس

اخیراً از اغلب نقاط اسف سلیم تری از معامله نظامیان روس نسبت با ایرانیها شنیده میشود که در صورت صحت باید قضیه ظلم و فشار را در نصف النهار ثبت داشت

شنیده میشود که قشون روس از اطراف کرمانشاه عقب نشسته و در موقع ورود بکرمانشاه دست تطاول گشوده اند همچنین در خصوص مالگیری و خواستن آذوقه تعدیات فاحش از ایشان نسبت برعایای بیچاره ایران مشاهده میشود که تاکنون این حرکات کم نظیر بوده ما اینجا هم باز متوجه اولیای دولت و سفارت دولت بهیه شده و درخواست علاج عاجل مینمائیم

سانسور

چند روز است که مجدداً تلگرافات همدان از طرف روسها سانسور میشود مسئله سانسور هم که درباره نقاط ایجاد شد و هنوز هم برقرار میباشد امر مضحکی است

بامداد روشن

راجع بنماینده معارف

از هیئت مدارس قومس و کسماء پاکتی باداره رسیده شکایت از نماینده محترم معارف که مدتی است درخواست پروگرام وزارت معارف و امتیاز مدارس را از ایشان نموده ایم ابداً عطف توجهی نفرموده و تاکنون جواب را بتأخیر انداخته اند

جنگل

از رئیس محترم معارف رشت دستور و پروگرام وزارت جلیله معارف را درخواست مینمائیم که تشکیلات مدارس این سامان ناقص نماند

راپورت وصله

از رشت با خبر نویسند که ماژور عبدالله خان بعد از رسیدگی بدفاتر دارائی نظمیه خیانتهای اجزای سابق را کشف کرده و بعد از محاکمه اغلب را عزل و بطهران روانه نمودند غیر از محمود خان و میرزا شفیع که بدوا از محاکمه خارج شدند

ما توجه آقای ماژور را باعمال این دو نفر خائن دولت و ملت جلب مینمائیم

برای زنده داشتن نام یگانه شهید راه وطن میرزا جهانگیر خان مدیر صور اسرافیل یکقسمت از این جریده را بنام ذیل مینگاریم

(چرند پرند)

تلگرافات خارجه — بتوسط آژانس پیاده

از فرونت سبزه میدان

یوم جمعه یکساعت و ۲۵ دقیقه بغروب مانده صدای غرش مهیبی از وسط سبزه میدان بلند گردید

(نطق امید بخش)

دیده بان عالی ما در ظرف اظهارات خود چنین بیان نموده این فرونت نسبت بسال سابق اشتباه بخش است چنین قسم که داد طلبانه جوانان ما با شکل و کراوات عصا بر کف دست گرفته در خیابانهای سبزه میدان و سنگرهای باغ محتشم عرض اندام مینمایند عنقریب است که مقام قدردانی را اجرا نمایند

(از فلسطان)

چندم فوریه — در نتیجه انتخابات رفته رفته وجود خارجی پیدا کرده در گوشه و کنار کسب اهمیت نموده احتمال میرود که امراض مسریه از قبیل (ریل) (استعفای از وزارت) (مالیخولیا) از طرف مجلس حفظ الصحه خوب است برای جلوگیری از این مرض مهلک یک قرنطینه در باغ وکیل خرج گذارده شود که مبادا سرایت کند

(ادبیات)

این دوره تقنینیه چون دوره چارد است

ای رفته ... [illegible]

این موقع فرخنده دگر موقع کار است

ای خوقند باد ... در عالم خلقت

این ماه دیگر آخر ایام بهار است

نزدیک با تمام که هر روز دگر به

لی وقت شراب است خوار است قمار است

این دوره چه پاریند ... بیهاید

ای ملت بدبخت که خشتی

این رشته گسسته تبا شد ز بانه

ای مردم دل بخت که غرق ... هستی

این شنبه جوادینه شنیدید سخانه

تا وقت کشد رفت که کوشش ...

افسوس که روز هجی چون شب تار است

امروز که مشروطه آمد رفت شد او

با دوره تجدید بازکه آزادیم

امروز که روسیه آزاد نما داد

عهد و عده عالیه ما خود بچه کاریم

امروز که باید بشود مملکت آباد

با این همه امید ما فکر نکاریم

هر کس بخر خویش بهر راه سوار است

امروز که همسایه باگشته پرسیار

با مصلحت خویش بیار چه گوید

امروز که بیگانه بگشته مددکار

از همت درویش ما چاره بجوید

امروز که از قدرت سرنیزه اجرا

خائن شده دلریش که دست بشوید

او باز بهر گوشه که دیگش سر بار است

سرسینی

محل فروش در رشت شنبه بازار دکان ... [illegible]